

کومه‌له

تاریخ ۵۹، ۶، ۳۱

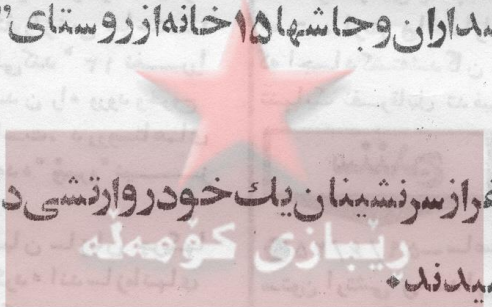
کاک شوان عضو کومه‌له و فرمانده نظامی لاق شهید سعيد بشهات رسيد.

■ **مه‌اباد** : ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی شهر را بوسیله توپ و خمپاره مورد حمله قرار دادند.

■ مردم مه‌اباد با تشکیل گروه‌های امداد روحیه مقاومت خود را نشان دادند.

■ **سمنندج** : پاسداران و جاشهای ۱۵ خانه از روستای "هاله دره علیا" را سوزاندند.

■ **مردیوان** : ۱۳ نفر از سرنشینان یک خودرو ارتشی در کمین پیشه‌رگان کومه‌له به لاکت رسیدند.



آموزان کردستان سال تحصیلی جدید را در میان آتش و خون باید چنین شهدای عزیز آغاز میکنند.
یادش گرامی باد.

● ۵۹/۶/۲۷ - سرانجام پس از مدتها بیانه جویی و توطئه جینی ارتش و پاسداران رژیم در خلعتی و جنف ویرانگری را بر مردم مه‌اباد تحمیل کردند و صحنه‌های راکه طی ماههای اخیر در این شهر رخ داد کردستان بارها بوجود آورده بودند تیزتر کردند. خمپاره باران شهر و کشتار مردم بی دفاع بدینسال یک رشته توطئه‌گرهای صورت گرفت که رژیم از مدتی قبل در مه‌اباد آغاز کرده بود.

جاشهای وابسته به سپاه پاسداران در نقاط مختلف شهر و اجتماعات مردم بمب گذاشتند و مسموم را به شهادت رساندند. پاسداران مستقر در شهر

مه‌اباد

● ۵۹/۶/۲۵ - در این روز یکی از اتموبیل‌های پیشه‌رگان کومه‌له که برای انجام یک ماموریت در مسیر جاده برهان حرکت میکرد واژگون گردید و یکی از سرنشینان آن بنام آمینه خیاط به شهادت رسید. رفیق آسیب‌چندانی وارد نیامد. رفیق مبارز آمینه در یک خانواده زحمتکش بزرگ شده به رنج و ستم زحمتکشان از نزدیک آشنائی داشت. به همین جهت فعالیتانه وارد میدان مبارزه سیاسی گردیده بود. در هنگام شهادت ۱۶ سال داشت و کلاس دوم - راهنمایی رتازه به پایان رسانیده بود. زندگی کوتاه و پرآزمینه شهید درس‌های ارزنده‌ای برای رفقا و کلاسهایش بجای نهادهاست. دانشش

منطقه دیواندره پیوست. و در اکثر دگرگیرها فعالانه شرکت میجست. برخورد صمیمانه با زحمتکشان و کینه عمیق نسبت به دشمنان خلق از خصوصیات بارز وی بود. او از هر فرصتی برای مطالعه استفاده میکرد و همیشه میگفت: باید کتاب بخوانم تا آگاهیم بیشتر شود و در امر خدمت به خلق وظیفه ام را بهتر انجام دهم.

با درس گرفتن از خصوصیات بارز و انقلابی این پیشمرگ شهید یادش را برای همیشه جاودان سازیم. در این موقع پیشمرگان کومهله (لق شهید سعید و لق شهید رحمان) که در نزدیکی روستای فوق الذکر بودند، خود را به محل رساندند و هنگامیکه نیروهای دشمن از روستا خارج میشدند به آنها حمله بردند. تیری تا شیب ادامه داشت و طی آن به نیروهای دشمن خسارات سنگینی وارد آمد. افراد دشمن به وضع آشفته ای گرفتار شدند و سراسیمه هر یک بطرفی میگریختند. در این نبرد حداقل ده نفر از نیروهای دشمن کشته و تعدادی نیز زخمی گردیدند همچنین یک گروه بان دو م چترها ز بنام حسین صافی اسیر گردید و یک خود رو نیز به آتش کشید شد.

دو دستگاه ماشین سیمرغ و یک قبضه کالیبر ۵ همراه با ۱۱ صندوق فشنگ همچنین یک قبضه تیربار ژ-۳ یک قبضه آرمی جی با چهار گلوله، یک قبضه کلاشینکوف و چهار قبضه ژ-۳ و سه صندوق فشنگ ژ-۳ و چهار گلوله تفنگ ۱۰۶ و چهار نارنجک ژ-۳ بدست پیشمرگان کومهله افتاد.

این خبر را قبلاً در خبرنامه ۷۷ بصورت مختصر آگهی همیهنان مبارز رساندیم که اکنون خبر کامل آنرا به اطلاع میرسانیم.

● ۵۹/۶/۲۶ - در ساعت ۱۰ صبح این روز یک ستون از نیروهای دشمن که شامل ۷ خود رو و یک تانک بود. با حمایت سه فروند هلیکوپتر دوباره به روستای "هاله در علیا" حمله نمودند.

پاسداران و جاشها و کلاه سبزهای رژیم جمهوری اسلامی روستا را به محاصره درآوردند و سپس همچون لشکریان چنگیز خان مغول به سوزاندن خانه های مردم مشغول شدند. آنها در نتیجه خانه های مردم را به رگبار میبستند، یکی از زنان زحمتکش و مبارز این روستا بنام "داده خورشید" را که به این وحشیگریها اعتراض کرده بود، به شهادت رساندند. این مادر در تمام مدتی که پیشمرگان در منطقه بودند جهت کمک رسانی به آنها و در مرجع آوری وسایل تدارکاتی با تمام توان خود کوشش مینمود. زندگی و شهادت وی نمونه بارزی از شرکت فعال زنان زحمتکش و ستم دیده کرد در جنبش مقاومت برعلیه سرکوبگران است.

و وظیفه نیروهای انقلابی بخصوص خواهران روشنفکر را در امر تشکل و سازماندهی زنان زحمتکش میبوند با آنها را به وضوح نمایان میسازد. یادش را به سهرمشق از زندگی پر افتخارش گرامی بداریم همزمان با سوزاندن این روستا، هلیکوپترها مدام بر فراز دهات اطراف آن به پرواز درآمد و روستای افراسیاب و چندین روستای دیگر را به راکت و رگبار مسلسل بستند.

این عطیات جمعا در ساعت به طول انجامید و ستون دشمن با پشتیبانی هلیکوپترها از روستا بیرون رفت متعاقب این حمله پیشمرگان کومهله به کمک اهالی روستا رفتند و از سرایت آتش به خانه های بیشتری جلوگیری به عمل آوردند. در حملات دشمن علوفه و وسائل ۱۵ خانوار به آتش کشیده شد. و خسارات جانی و مالی به آنها وارد آمد.

در روستای افراسیاب یکی از این راکتها به رفیق شهید پیشمرگ قهرمان عضو کومهله و مسئول نظامی (پهل شهید سعید) کاک محمد مائی (شوان) اصلا بت کرد و وی را به شهادت رساند.

شهید کاک محمد مائی که بانام تشکیلاتی "شوان" شناخته شده بود، در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده فقیر در شهر بانه چشم به دنیا گشود. در سن شش سالگی به مدرسه رفت و پس از گذراندن دوره ابتدای و مدتی تحصیل در دبیرستان بدلیل فقر مالی دست از تحصیل کشید و برای تأمین زندگی خود و خانواده بکارش را گرفت که پرداخته و سالهای نوجوانی عمرش را با کار سخت شبانه روزی سپری نمود.

کاک شوان در سال ۵۰ یکبار بزرگان افتاد و در زندان سنندج در ارتباط با عده ای از مبارزین اسیر با مسائل سیاسی آشنا گردید و بدنیال آن روز بروز به آگاهی سیاسی و طبقاتی او افزوده گشت.

در سال ۱۳۵۶ در مبارزات دهقانان قریه قزل بلاغ فعالانه شرکت کرد و تا پیروزی آنها راهمراهی نمود و در همین جریان با رفیق شهید سید حسین پیر خضری هضوکومهله آشنا گردید و رابطه اش با او روز بروز محکمتر شد. در اولین تظاهرات مردم سنندج در شهریور ۵۷ که بیفاسیت شهادت "داریوش دانشپایه" توتیب یافته بود فعالانه شرکت کرد و از این زمان به بعد کار شخصی خود را رها کرد و به طور حرفه ای بکار سیاسی و مبارزه برعلیه رژیم شاه مزد و بر پرداخت.

پس از سقوط رژیم شاه در جریان مبارزات جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب شرکت نمود و در روز خونین ۵۸ با دیگر همزمانش تاپای جان در دفاع از مسردم سنندج شرکت داشت. در جریان انتخابات شورای شهر از طرف نیروهای انقلابی و پیشرو معترضو

کاندید معرفی گردید و با وجود تبلیغات و دخالت های ناروای عوامل مفتی زاده توانست آرا قابل توجهی بدست آورد .

در راه پیمائی تاریخی مردم سنندج بسوی مرویان کاک شوان بعنوان مسؤل نظامی در ارتباط با حفاظت جان راهپیمایان نقش ارزنده خود را با ثبات رسانید .

در ۲۸ مرداد ۵۸ و در جریان یورش رژیم بکردستان در صف پیشمرگان کومله به دفاع از دستاوردهای انقلاب ناتمام خلیفای ایران در سنگر جنبش مقاومت کردستان پرداخت .

پس از پیروزی مرحله اول جنبش مقاومت و ورود پیروزمندان پیشمرگان کومله به شهر سنندج کاک شوان با شور و شوق انقلابی بی حد خود در کار آموزشی نظال می و سازماندهی پیشمرگان کومله نقش ارزنده ای را ایفا نمود .

کاک شوان با وجود آنکه دارای همسر و فرزند بود اما بکلی زندگی شخصی خاتواداشته را رها کرد و بندرت بهمان آنها میرفت و همیشه زنده گیش را با پیشمرگان و در میان آنها میگذراند هنگامیکه ستون اعزامی از کرمانشاه بقصد آغاز جنگ همه جانبه ای در کردستان قصد عبور از سنندج را داشت کاک شوان از نخستین پیشمرگانی بود که حرکت ستون ارتشی را در پهل شیخ متوقف ساخت و با رشادت تمام همراه با پیشمرگان تحت فرماندهی با ابتکار و شجاعت تمام ضربات کاری به این ستون وارد ساخت . در جریان جنگ سنندج و مقاومت مردم مبارزان در نهایت کوشش و بطور نخستگی ناپذیر به همراه همزم نزدیکش شهید سعید (منصور بهزاد مطلق) اتی از تلاش

باز نماند . در بیشتر جبهه ها و نبرد ها بعنوان مسؤل و فرمانده عملیات راهبری میکرد در جریان عقب نشینی و خروج پیشمرگان مسئولیت عقب نشینی تار و پخی از شهر را بعهده گرفت و همانند یک طراح و مهندس نظامی با کمال شجاعت از عهده این مسئولیت برآمده و با موفقیت آن عقب نشینی مهم و حساس را در

حالی که دشمن تمام شهر را به محاصره در آورد بهودج رهبری و صد ها نفر را از کنا ر سنگرها و چند متری پایگاهها دشمن عبور داد . در روز ۲۵/۶/۵۹ عملیات موفقیت آمیزی را که منجر به زخم پاشیده شدن ستونی از ارتش پاسداران و جاسه اشاد بود رهبری نمود و در روز ۲۶/۶/۵۹ بر اثر اصابت راکتهای سه فروتنده هلیکوپتر خصمی و پس از سه ساعت به شهادت رسید مردم منطقه و پیشمرگان کومله در میان سیلی از غم و اندوه اورابه سان قهرمانی که خود را وقف زحمتکش نمود بهود به خاک سپردند .

کاک شوان همواره در زندگی با توده های زحمتکش و تنگدست و کمک به حل مشکلات آنان پیش قدم بود و آموزگار رفقای پیشمرگ خود برای محکم کردن پیوندشان با توده های مردم بود . مردم محلات فقیرنشین سنندج این خصوصیت بارز کاک شوان را بخیلی بیاد دارند .

شاهدات اورا به مردم مبارز سنندج ، پیشمرگان کومله ، و همه آنها ای که قلبشان بخاطر رهایی زحمتکشان میتهد تسلیت می گوئیم و اندوه شهادت اورا به نیروئی برای ادامه راه پرافتخارش تبدیل میکنیم .

در آینده زندگی و مبارزات کاک شوان را بطور کاملتری منتشر خواهیم کرد .

مرویان

۵۹/۶/۲۸ - ساعت ۹ صبح این روز یک خود رو حامل ۱۵ ارتشی و پاسدار و جاش در فاصله بین پایگاههای "ناو طاق" و "گاران" و "جانوره" به کمین دودسته از پیشمرگان کومله (پهل شهید حسین) افتاد ، حمله برق آسای پیشمرگان با سلاحهای سبک کامیون را واژگون نمود و به آتش کشید و ۱۳ تن از سرنشینان آن را به سلامت رساند و در نفر دیگر توانستند فرار کرده و خود را به پایگاه برسانند . پیشمرگان پس از این پیروزی همگی سالم به پایگاه خود مراجعت نمودند .

بازنده

۵۹/۶/۲۸ - در این روز یک فروند هلی کوپتر که در محل استقرار ستون مورد اصابت گلوله پیشمرگان قرار گرفته بود در نزدیکی پهل (سوپروی) در ۵ کیلومتری شهر بانه سقوط کرد .

اشتباه

۵۹/۶/۲۷ - در این روز یک ستون شامل هفت تانک و چندین خود روارتشی و پاسدار در زیر حمله است ۳ هلیکوپتر از پایگاه پیرنا صربه طرف روستای "ده شمس" که یکی از دژهای مقاومت در جریان درگیریها اخیرا شنویه بوده و ارتش پاسداران ضد خلقی چندین دفعه در این نقطه با دادن تلفات سنگین مجبوره عقب نشینی شده اند محله کردند . این یورش که همراه با خمپاره باران و به راکت بستن دهات اطراف بود با مقاومت شدید پیشمرگان کومله

ود مکررات روبرو گردید . از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر درگیری شدت ادامه داشت و یک دسته از پاسداران که به قصد پیشروی پیاده شده بودند زیر آتش شدید پیشمرگان قرار گرفته بطوریکه ۲۰ نفر از آنها کشته و چندین نفر زخمی گردیدند . نیروهای ارتش پاسداران با تحمل تلفات سنگینی مجبور به عقب نشینی گردیدند .

در این درگیریها یکی از پیشمرگان کوهله بنام ابوجعفر شاهی و یکی از پیشمرگان مکررات بنام علود که قهرمانانه در خط مقدم مقاومت کرده بودند شهید شدند و پادشاهان گرامی بیاد .

همچنین یکی دیگر از پیشمرگان کوهله زخمی شد و بر اثر انفجار خمپاره در روستای "گلس" یک نفر شهید و روستای "دهشمر" یک زن دستتر قطع گردید .

نبرد شامستان

۵۹/۶/۲۸ - صبح این روز یک فروند فانتوم جمهوری اسلامی در یک حمله هوایی به روستای "موسلان" منطقه منگور سردشت خسارات زیادی وارد نمود . همچنین در آخرین حمله سه کودک زخمی و یک نفر شهید شد . در همین روز هلیکوپترها روستاهای اطراف دارسا وین را بار دیگر مورد حملات وحشیانه کالیبر ۷۵ قرار دادند و ستون متوز قبادر به حرکت نیست پا دگان سردشت نیز مرتباً در ویران ستون بمباران راهاتوب و خمپاره گوله باران میکند .

این رفقا همچنان به فعالیتهای انقلابی خود در صف پیشمرگان کوهله ادامه میدهند اما رجعی از تلفات پیشمرگان و یا گاهی حتی اعلام خیرد رگیری های خیالی که هرگز روی نداده اند و در عین حال سکوت در مورد نبرد های بزرگ و گسترده که در آن ضربات سختی خورده اند ، از دیگر شیوه های دروغ پراکنی ، دستگا های تبلیغاتی رژیم است . این گونه جعلیات دیگر در کردستان کسی را نمیتواند بفریبند و در دیگر نقاط ایران نیز ، بی اعتمادی به گفته ها بلند گویای تبلیغاتی رژیم را افزایش میدهد .

ششمین

این روزها
پروانه سفید
برسات های دستهای اشتیاق خلق
بال میزنند
همچون تازه تنور گرم
در دستهای پینه بسته تاب میخورند
" خبرنامه آمده است ! "

"خبرنامه"

دستها
پروانه سفید
برسات های دستهای اشتیاق خلق
بال میزنند
همچون تازه تنور گرم
در دستهای پینه بسته تاب میخورند
" خبرنامه آمده است ! "

پیازی کوهله

خلق منتظره گرد آن جوان
شوق آرمان به چشم
جانها پراشتیای

این کلام بر لبان :
" خبرنامه را بخوان ! "
خبر چه بود ؟
از شمال تا جنوب
از شرق تا به غرب
هم چوگا و وحشی اند دشمنان
در زمان آتش زخشم خلق
نعره های دیوگونه میکشند
آتش جان
که میرسد زبانهاش
از زمین به آسمان
آهنگین خزند هر امچاله کرد است
آهنگین بزنند هر آن غالی میکنند
خشم پیشمرگ قهرمان به جوشش است .

نگذیب خبر را دیو جمهوری اسلامی

شکستی در پی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در جبهه های نبرد کردستان دستگا های تبلیغاتی رژیم را به تلاش مذبحخانه ای برای وارونه نشان دادن جریان نبرد ها و واقعیات موجود واداشته است . ستونی که زیر ضربات پیشمرگان دست و پا میزند و بیش از ۱۶ روز است در زمین راه سردشت - یانه متوقف مانده است بگفته را دیو جمهوری اسلامی " همچنان با موقیست به پیشروی خود ادامه میدهد ! "

تکرار اینکه دروغها دیکر برای رادیوی جمهوری اسلامی بصورت امری روزمره درآمد است . تازه ترین مورد آن خبر کشته شدن دکتر شاکری پزشک پیشمرگ کوهله و مدعی گمانگر پیشمرگ کوهله سیاشد . در حالیکه

وستاره می شوند

رفیقان قهرمان

و این بهار

حمزه حامد و حمید

و خالد و مصطفی

ستاره های سرخ آسمانان شدند

در میان چشم های شوق

ناگهان

یک جوان

دست غم به سرزنسان

با چشم پراز شک

فرومی خورد به خشم

فریاد سینه را :

ای دریغ !

آه دردناک !

باز هم ،

آشنای من به خون و خاک !

حمزه شهید

پیشمرگ کارگر

و خالد و مصطفی

زحمتکشان کرد ،

پیشتا زان صف شکن

که نیزه وار

در قلب آهنین خصم نشستند

و حمید قهرمان

با رسالت یگانگی خلقها

و حامد عزیز

که دیدش

ما پیش ...

با چشم تابناک سخنهای نغزگفت

ز فردای انقلاب

زیبند هاست سرخی خونین بر این پیام

که میگفت :

زیباست ،

فردای آفتاب !

اما

سنگی گران شده است

غم مرگ سرخشان

شمشیرهای کینه بر این سنگ تیزباد

و خون سرخشان

سیراب ترکند ، این دشت مرد خیزباد

(شهریور ۵۹)

" ریبوار "

ریبازی کومهله

روستائیان رزمند و زحمتکشان کردستان !

با استفاده از کانال و "زاغه" افراد خانواده خودتان را از

خطر حملات هوایی حفظ کنید .

پیشمرگان با امکانات خود ، شمار ایاری خواهند

داد .